

دیلماج

نویسنده

حمید نوری سرشت

مقدمه

در این کتاب قصد ما بررسی زندگی و افکار میرزایوسف‌خان مستوفی مشهور به دیلماج است. درباره او در منابع تاریخی دوره قاجار به طور پراکنده سخن گفته‌اند اما تا به حال بررسی مفصلی از زندگی او صورت نگرفته و چهره او همچنان ناشناخته مانده است. در منابع تاریخی میرزایوسف‌خان چهره‌ایست پیچیده و گاه غیر قابل درک. عده‌ای تحسین و تمجیدش کرده‌اند و عده‌ای خوار و خفیف‌اش ساخته‌اند؛ و هر دو به حد افراط. در نگاه گروه اول میرزایوسف «از آن دسته دلباختگان وطن بود که در راه حصول آزادی و پیشرفت مدنیت ایران سر از پا نمی‌شناخت» و در نگاه گروه دیگر «خیانتی نبود که نکرد و رذالتی نبود که بروز ندارد» البته در این میان عده‌ای هم راه اعتدال پیش گرفته و از قضاوت صریح درباره او خودداری کرده‌اند. یکی از ایشان احمد کسروی است که درباره میرزا یوسف نوشته است:

«از کوشندگان راه آزادی بود. اگر چه گفته‌اند که از همان آغاز در آخشیش میهن راه می‌پیموده است» در نگاه کسروی آنچه در بررسی شخصیت میرزایوسف‌خان باید در نظر داشت فراماسون بودن اوست. حضور او در جرگه و مخفی ماسون‌ها از وی شخصیتی راز آلود ساخته و بنا به اعتقاد کسروی «ما حیوان از اندیشه و خواست آن دسته آگاه نیستیم درباره یوسف‌خان نیر داوری نخواهیم توانست».

این چهره پیچیده که منشاء قضاوت‌های متفاوتی شده در یادداشتهای خود بسیار ساده و بسیط است. میرزایوسف‌خان آنجا که از عاقبت خود می‌گوید، محتاطانه می‌نویسد «لکه‌ای بودم بر آینه وجود. به جا خواهم ماند یا نه خود نمی‌دانم. اگر بمانم از این پس هر که به قصد دیدار خود در این آینه نظر کند، یوسف دیلماج را هم خواهید دید» البته این

قضاوت سرچشمه‌ای فلسفی دارد و به کار ما در تحقیق تاریخ نمی‌آید.

در لابه لای اوراق به جا مانده از میرزایوسف و همچنین دیگر منابع موجود، او گاه روشنفکری است ژرف‌نگر که هوشمندانه دنیای اطرافش را می‌کاود و در راه فهم آن تلاش می‌کند، گاه عاشق پیشه‌ای که سینه پر سوز خود را به روی اوراق سفید کاغذ گشوده و رازهایش را با آن در میان گذاشته است و گاه سیاستمداری که به چیزی جز موفقیت خود و هم ردیفانش نمی‌اندیشد.

در این کتاب آنچه مدّ نظر ماست دستیابی به چهره واقعی میرزایوسف است. اگر چه با وجود این همه اختلاف در منابع نیل به این هدف بسیار سخت می‌نماید. قصد ما آن است که با دوری از پیش داوری، گام به گام با دریافتهایی که از منابع موجود و مدارک مستند - خصوصاً زندگی نامه خود نوشت او - به دست می‌آید، چهره میرزایوسف را هر چه دقیقتر ترسیم کنیم. و البته بدیهی است که برای شناخت او به شناخت دیگران - آنان که با وی دمساز بوده‌اند - نیز احتیاج داریم.

منابع ما در شناخت میرزایوسف محدود نیست. او اگر چه هیچگاه آوازه‌ای چون میرزاملکم خان ناظم‌الدوله - که زمانی مرید او بود - و یا میرزا فتحعلی آخوندزاده نیافت، در منابع تاریخی خصوصاً آنها که به حرکت‌های مشروطه‌خواهی درگیلان پرداخته‌اند به کرات مورد اشاره قرار گرفته است. فی‌المثل لویی رابینو در کتاب مشروطه گیلان در بیان وقایع طاش و کرکانرود بارها نام میرزایوسف و شرح اعمال او را آورده است. و این جای خوشوقتی بسیار دارد چرا که خود میرزایوسف در خاطراتش به اجمال از این حوادث گذشته است.

دیگری راپورتهای نظمیه دوران ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه قاجار است که گاه به برخی حوادث مرتبط با زندگی میرزایوسف اشاره کرده‌اند. همچنین کتاب «تاریخ آغازین فراماسونری در ایران» با ارائه اسناد و مدارک معتبر نحوه ورود میرزایوسف به لردفراماسونری و فعالیتهای او در این اثر را برای ما روشن می‌کند.

و اما مهمترین منبع ما در شناخت و شخصیت میرزایوسف زندگی نامه خود نوشت اوست که به لطف آقای محمدرضا مستوفی نیا نوّه برادر میرزایوسف در اختیار نگارند در این سطور قرار گرفته است. این زندگی نامه مجموعه ایست حجیم و مفصل که اصالت آن پس از بررسیهای کارشناسانه به اثبات رسیده است. میرزایوسف نگاش زندگی نامه خود را در راه عزیمت به لندن و دیدار میرزاملکم خان ناظم‌الدوله آغاز کرده و پس از

شرح گذشته زندگی خود به شکل تفصیلی یادداشتهایی را به شکل روزانه به آن اضافه کرده است. زندگی نامه میرزایوسف چوندیگر نوشته های او زبان ساده ای دارد. میرزایوسف این زبان ساده را از میرزا ملکم خان ناظم الدوله آموخته بود. اگر چه گاه برخی نوشته های دیگر او به اقتضای مضمون و محتوا از نظر زبان مشکلتر از زندگی نامه او هستند، در کل می توان همه نوشته های به جا مانده از میرزایوسف را ساده و خواندنی نامید.

زندگی نامه خود نوشت میرزایوسف در کنار رسالات سه گانه بجا مانده از او به نامهای «رساله عشقه»، «در حصول آزادی»، «طریق آدمیت» می تواند تصویر جامعی اب زنده تفکر میرزایوسف به ما ارائه کند.

علاوه بر آنچه گفتیم شناخت ما از زندگی میرزایوسف خان مستوفی با بررسی منابع پراکنده ای چون گزارشهای تلگرافخانه گیلان در جنبش مشروطیت و خاطرات محمدعلی فروغی ذکاءالملک کامل می شود.